

ادامه از صفحه اول

اسرائیل به‌دنبال تغییر زمین بازی

گذشته از فهرست طولانی ترورهای هدفمند رهبران فلسطینی (از همه گروه‌ها)، حزب‌الله انتبه اوگاندا (۱۹۶۷) با گذشت بیش از نیم‌قرن هنوز از مهم‌ترین نحوه‌های عملیات آزادسازی گروگان در تاریخ هواپیمارانی است. کشته شده فیلم این عملیات در زمره آموزش‌های ساواک و کماندوهای زمان رژیم شاه بود. به نوشته رونن برگمن، نویسنده اسرائیلی کتاب «برخیز و تو زودتر بشک؛ تاریخ سری ترورهای هدفمند اسرائیل»، اسرائیل از ۷۰ سال پیش از تشکیل حداقل دوهزارو ۷۰۰ عملیات ترور انجام داده است. ضمن اینکه با وجود تمام تلاش‌های فلسطینی‌ها برای عملیات انتقامی، از زمان تأسیس این رژیم نامشروع دو ترور سیاسی در این کشور اتفاق افتاده که یکی کشته‌شدن اسحاق رابین به دست یک یهودی در اعتراض به قرارداد صلح با سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود و تنها مورد موفق ترور وزیر برکنارنده گردشگری این رژیم به دست یک مبارز فلسطینی بود.

• گام دوم، حفاظت از جان دانشمندان و امکان حساس در مقابل این رژیم و نهادهای جاسوسی و اطلاعاتی آن است. برای تأمین این هدف مهم باید محیط داخل با سرعت و دقت پاک‌سازی شود. لازمه این مهم، تغییر رویکرد (Paradigm Shift) دست‌اندرکاران نهادهای امنیتی ایران، پاک‌سازی و ایمن‌سازی خود و تمرکز برای یافتن دشمن جاسوس و نفوذی درون خود است. صرف وقت، نیرو، امکانات و هزینه برای موارد کم‌اهمیتی مانند فعالان سیاسی -اجتماعی یا برخی چهره‌های علمی ایرانی مقیم خارج از کشور و اتهام ارتباط با بیگانگان و سرویس‌های جاسوسی برای اهداف و اغراض سیاسی اگر بیراهه نباشد، از منظر امنیتی به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با رویدادهایی مانند ترورهای همدنی که غرور ملی را جریحه‌دار کرده نیست. از قول محسن اراکی، نماینده مجلس خبرگان، نقل شده که گفته است: «بر اساس خبر قطعی می‌گویم آمریکا و اسرائیل در حوزه سرباز دارند». روشن است دعوت به بالایش درون، به معنای نادیده‌گرفتن فعالیت‌های ارزشمند و خدمات سربازان گمنام و نیروهای خودم وزارت اطلاعات نیست. لازمه این کار سعه صدر و بهیز از اتهام‌زنی، اقدامات جدی برای هماهنگی دستگاه‌های اطلاعاتی، برگردن شکاف‌ها و حفره‌ها و شناسایی و انهدام «شبکه‌ها ظاهرا گسترده» اسرائیل در داخل است. نتانیاهو قبلا گفته بود «جاسوسان ما در تمام نقاط ایران در حال فعالیت هستند» (نقل به مضمون).

۴- نکته دیگر در این رابطه مطالبه بحق مقابله‌به‌مثل و انتقام از رژیم صهیونیستی است که بر اساس قوانین بین‌المللی حق طبیعی ایران است. ملاحظه مهم در این رابطه «زمان و مکان» و شیوه انجام آن است. امروز در اینکه اسرائیل از مدت‌ها قبل درصدد کشتادن پای ایران در یک درگیری نظامی است، شاهد نوعی اتفاق‌نظر و اجماع نخبگان هستیم و حتی برخی از مسئولان نظامی نیز به آن معترف‌اند. ضمن اینکه به دلیل تعهد آمریکا در حمایت از تل‌آویو هرگونه درگیری نظامی به اسرائیل محدود مانده و پای آمریکا را نیز به این درگیری خواهد کشاند که هدف اسرائیل و عربستان است. در یک سال گذشته حملات مکرر اسرائیل به مقر نیروها در سوریه در همین راستا انجام شد که با هوشیاری راهبردی، ایران از غلغیدن در دام اجتناب کرد. در مقطع کنونی و پس از انتخابات آمریکا که برخلاف خواست اسرائیل و عربستان بود و شکست ترامپ و برنامه بایدن برای دریش‌گرفتن دیپلماسی در مقابل فشار حداکثری ترامپ در روباوری با ایران و بازگشت به برجام، برنامه اسرائیل قراردادن تیم جدید کاخ سفید در برابر ایران با پاسخ مجولانه و بدون برنامه به اقدام تروریستی این رژیم است.

در این مرحله، منطقی‌ترین راهکار، رویکرد فعالیت گسترده دیپلماتیک در محکومیت این اقدام در سطح گسترده‌تر بین‌المللی و کشورهای جهان است. این اقدام تاکنون با محکومیت اتحادیه اروپا، سازمان ملل، تعدادی از کشورها و حتی برخی مقامات آمریکا روبه‌رو شد که با تشدید فعالیت‌های دیپلماتیک باید آن را در سطح جهان و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهایی که در عرصه‌های حقوقی فعالیت می‌کنند، گسترش داد.

حق دفاع مشروع برای ایران محفوظ است و قطعاً بر اساس قوانین بین‌الملل و به مصداق آیه شریفه «فَمَنْ عَدَايَ عَلَیْکُمْ فَاَعْدُوا علیه بمثل ما اعدتد علیهکم»، این اتفاق خواهد افتاد؛ اما قطعاً راهکار معقول در این شرایط حرف‌های بی‌پشتوانه نیست. ضمن اینکه شلیک یک یا چند موشک به اسرائیل نیز برخلاف تصور، به‌نتنها تزلزلی در ارکان این رژیم ایجاد نمی‌کند، بلکه به دلایلی که همه از آن آگاهییم، تنها دستاورد چنین اقدامی، این است که زمین بازی عوض می‌شود و ایران در معرض محکومیت بین‌المللی قرار می‌گیرد و علاوه بر ترامپ که هنوز در قدرت است، بایدن و اتحادیه اروپا را برای محکومیت ایران تحت فشار قرار خواهد داد.

ایرنا، معاون اول رئیس‌جمهوری روز گذشته در نوزدهمین اجلاس شورای نخست‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای که به میزبانی کشور هند و از طریق ویدئوکنفرانس برگزار شد، عنوان کرد: «متأسفانه به رغم همکاری‌های مؤثر ایران با کشورهای دیگر با تروریسم داعش به ویژه دولت‌های عراق و سوریه که به سرکوبی یکی از خطرناک‌ترین تهدیدات تروریستی در جهان منجر شد، امروز ایران خود در معرض تروریسم دولتی قرار گرفته است». اسحاق جهانگیری گفت: «ترور

سال گذشته قهرمان ملی کشور ما در مبارزه با تروریسم، سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی و ترور چند روز اخیر شهید دکتر محسن فخری‌زاده از دانشمندان و مدیران حوزه دفاعی کشورمان، نمونه‌های بارز به‌کارگیری ابزار تروریسم دولتی علیه ایران است. انتظار داریم نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و دولت‌ها در برابر تروریسم دولتی سکوت نکنند و با محکوم‌کردن آن، مانع از تکرار این دست اقدامات ضد انسانی شوند. البته ایران در فرصت مناسب به این جنایت ضد انسانی پاسخ

قاطع و حساب‌شده خواهد داد». او افزود: «در دنیای پرمخاطره امروز، نهادهای منطقه‌ای یکی از مؤثرترین سازوکارهای مدیریت و حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای، جهانی و حتی ملی هستند. به این اعتبار، اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های وسیع همکاری‌های چندجانبه، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت ایفا کنند». جهانگیری با بیان اینکه با پایان جنگ سرد، چندجانبه‌گرایی از سوی برخی کشورها به‌ویژه آمریکا با چالش جدی مواجه شده است،

سیدالرضا حسین‌پور، نماینده مجلس خبرگان

بازخوانی اختلافات ۲ طیف چپ و راست جریان اصلاحات

پدرسالار کیست؟

فائزه هاشمی، جریان پدر سالار، حزب اتحاد ملت است و خاتمی تحت تأثیر این حزب است



در جریان اصلاحات تصمیم‌گیر مؤثر نیستند، چگونه می‌خواهند نقش پدرسالاری را ایفا کنند. با این نظر موافق نیستیم. درست است که وزرا یا معاونان بابا این حزب را تأسیس کردند و شعارها و اهداف حزب کارگزاران از تفکرات توسعه‌ای بابا بود، ولی به خاطر ندارم که بابا به آنها گفته باشد این کار را کنید یا نکنید، مگر اینکه خودشان مشورت می‌کردند و بابا هم نظر خودش را می‌گفت؛ این‌طور نبود که این حزب توسط بابا هدایت شود... اینکه کارگزاران نقش پدرسالارانه را در جریان اصلاحات بازی می‌کنند، درست نیست. جریانی که پدرسالارا است حزب اتحاد ملت است که نزدیک‌ترین به آقای خاتمی است. جریان اصلاحات را آقای خاتمی رهبری می‌کند و ایشان هم بیشتر تحت تأثیر نظرات و افکار این حزب است. مواردی بوده که کارگزاران با آقای خاتمی در موضوعی بحث کرده‌اند، پیشنهاد دیگری داده‌اند اما ایشان بدون منطق آن را قبول نکرده یا منطق ضعیفی داشته که قابل قبول نبوده است. به نظر من این‌گونه که می‌گویید نیست.

او در پاسخ به این پرسش که منابع مالی حزب کارگزاران از کجا تأمین می‌شود نیز گفته است: «معمولا دیرکل تأمین مالی می‌کند. اعضای حزب حق عضویت پرداخت می‌کنند و اگر دستشان برسد کمک هم می‌کنند». هاشمی همچنین درباره اینکه اکنون جایگاه کارگزاران در بین اصلاح‌طلبان کجاست، ادامه داده است: «دوره به دوره فرق می‌کند. کارگزاران یک حزب اصلاح‌طلب است، از زمان تأسیس به دنبال توسعه بوده، یک گروه تکوکرات هستند که از نظر من به همین دلیل بهترین است، چون اعضای آن مدیرانی هستند که معمولا واقع‌بینانه و به‌دور از شعار و احساسات و سیاست‌زدگی فکر و عمل می‌کنند؛ البته این را نیز بگویم که چند سال است مثل اکثر احزاب اصلاح‌طلب، شاخص‌های اصلاح‌طلبی کمتر در آنها دیده می‌شود... [و] بیشتر در کنار حاکمیت قرار گرفته‌اند». فرزند آیت‌الله هاشمی درباره شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان هم این‌گونه اظهارنظر کرد: «متأسفانه خود اصلاح‌طلبان هم دموکرات نیستند و در درون خودشان اعتقاد واقعی به دموکراسی ندارند، این موضوع به لیدری آقای خاتمی هم برمی‌گردد. در شورای عالی اصلاح‌طلبان افراد بیشتر بر اساس سلیقه آقای خاتمی حضور دارند، سیستم وجود ندارد که چند درصد داد، چند درصد جوانان و کلا چه ترکیبی آنجا باشند. بخشی از ناامیدی اصلاح‌طلبان از جمله خودم همین‌جاست؛ همچنین این روند دموکراتیک در احزاب هم کمتر وجود دارد، خود اصلاح‌طلبان در درون خودشان نیاز به اصلاحات جدی دارند».

فائزه هاشمی، جریان پدر سالار، حزب اتحاد ملت است

حالا اما فائزه هاشمی‌رفسنجانی در گفت‌وگویی با «خبرآنلاین» سخنی عکس این موضوع بیان کرده است: «کارگزارانی که چندین سال است تقریبا

سیدالرضا حسین‌پور، نماینده مجلس خبرگان

شروق: لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، معتقد است انتقام ترور شهید فخری‌زاده مبتنی بر پایبندی به نظم و قاعده، یافتن مسببان و عاملان، رسیدگی عادلانه و اجرای احکم، صادر به موجب قانون و نه هیچ مبنای دیگری، خواهد بود. به توجّه به نقض آشکار حقوق بین‌الملل در حمله تروریستی اخیر، جمهوری اسلامی حق دارد از تمامی حقوق خود بر اساس اصول و موازین بین‌الملل به‌منظور اتخاذ اقدامات لازم و مقتضی در استیفای حق ذاتی دفاع مشروع خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد استفاده کرده و در این راستا اقدام تلافی‌جویانه خود را در هر زمان و در هر مکان و به هر نحوی که تشخیص می‌دهد، اتخاذ کند. خانم آگنس کالامارد، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اعدام‌های فراقضائی، شتاب‌زده و خودسرانه در صفحه تویتِر خود نوشت هنوز پرسش‌های فراوانی درباره ترور شهید محسن فخری‌زاده) وجود دارد. هنوز هیچ عامل دلیلی با غیروالتی مسئولیت این قتل بر عهده نگرفته است. اما یادآوری می‌کنم: «قتل هدفمند فرامرزی که خارج از منطقه درگیری مسلحانه رخ می‌دهد، نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر در مورد منع محرومیت خودسرانه حق حیات و نقض منشور سازمان ملل متحد است که استفاده فرامرزی از زور را در زمان صلح ممنوع می‌کند». گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه اعدام‌های فراقضائی، در ادامه تویت‌های خود با اشاره به تعهدات بین‌المللی حقوق‌بشری کشورها که به تأیید دیوان بین‌المللی دادوستری، کمیته حقوق بشر، کمیسون بین آمریکایی حقوق بشر و دادگاه حقوق بشر اروپا رسیده، افزود: «کشورهایی که درگیر اقدام‌های تجاوزکارانه منجر به محرومیت از حق حیات هستند، فی‌نفسه

سیاست

جهانگیری در اجلاس شورای نخست‌وزیران کشورهای عضو شانگهای:

نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها در برابر تروریسم دولتی سکوت نکنند

گفت: «برجام که به عنوان یکی از دستاوردهای مهم دیپلماسی بین‌المللی دله اخیر است، به رغم رویکرد برجام‌ستیزانه و خروج غیرقانونی دولت ترامپ و اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشور ما و بی‌عملی کشورهای اروپایی عضو، به واسطه سیاست صلح‌طلبانه و صبر راهبردی ایران و با حمایت اعضای جامعه بین‌المللی، از جمله اعضای سازمان همکاری شانگهای و البته با مقاومت ملت بزرگ ایران تاکنون پایدار مانده است».

ادامه در صفحه ۳

سیدالرضا حسین‌پور، نماینده مجلس خبرگان

گفت: «برجام که به عنوان یکی از دستاوردهای مهم دیپلماسی بین‌المللی دله اخیر است، به رغم رویکرد برجام‌ستیزانه و خروج غیرقانونی دولت ترامپ و اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشور ما و بی‌عملی کشورهای اروپایی عضو، به واسطه سیاست صلح‌طلبانه و صبر راهبردی ایران و با حمایت اعضای جامعه بین‌المللی، از جمله اعضای سازمان همکاری شانگهای و البته با مقاومت ملت بزرگ ایران تاکنون پایدار مانده است».

ادامه در صفحه ۳

سیدالرضا حسین‌پور، نماینده مجلس خبرگان

انتقادهای فائزه هاشمی به نوعی در ادامه مواضعی است که چندی پیش غلامحسین کرباسچی هم درباره جایگاه رهبری در اصلاحات و هم درباره اطرافیان خاتمی مطرح کرده بود: «دیگر با کسانی که شاید برای ما کاریزم‌ا بوده و شخصیت مورد علاقه ما باشند نباید رودرپاستی داشت؛ حالا آقای خاتمی یا هر کدام از رفق. به‌سه خاطر شخصیت‌های بزرگوار و خصلت‌های قابل تحسینی که دارند، به‌سه خاطر اینکه نمی‌توانند به هیچ‌کسی نه بگویند... نباید تعارف داشته باشیم... از نظر من هر مجموعه سیاسی اگر حرف‌های بی‌محتوا و سیاسی بزند، کمکی به اصلاح مسائل مملکت نمی‌کند. فرقی هم ندارد؛ چه رسایی از آن طرف و چه آقای تاج‌زاده و دیگران از این طرف. این رویه فقط یک جنگ حیدری- نعمتی را تشدید می‌کند». او درباره جایگاه خاتمی در جبهه اصلاحات هم گفته بود: «رهبری یعنی اینکه اگر زمانی به مشکلی برخورد کردیم، او بیاید و مشکل را حل‌وفصل کند. اگر نقضی وجود دارد، رفع آن نقض توسط رهبری جریان انجام شود. اگر لازم باشد در نقاط حساس حضور با عدم حضور افراد را مدیریت کند. قبول مسئولیت در زمان‌های حساسی که باید عواقب یک تصمیم بر عهده گرفته شود، از نقش‌های مهم رهبر یک جریان است. رهبری تنها وجه علاقه و احترام از طرف اعضا و گروه‌ها نیست و باید تمامی جنبه‌ها را دنبال کند؛ نه آقای خاتمی هرگز چنین ادعایی داشته‌اند که رهبر مجموعه جریان اصلاحات هستند و نه جریان اصلاحات با هم بر سر رهبری جریان اصلاحات توافق کرده‌اند. گروه‌های جریان اصلاحات به آقای خاتمی بسیار علاقه‌مند هستند اما این‌گونه نیست که همه با هم توافق کرده‌اند که در شرایط فعلی ایشان رهبر جریان اصلاحات تلقی شوند. شاید جمله درست‌تر این باشد که جریان اصلاحات پیش از آنکه به رهبر جدید نیاز داشته باشد، از اساس نیازمند رهبر است». کرباسچی ۱۲ سال پیش، یعنی در سال ۸۷ نیز درباره طیف چپ اصلاحات و ذکر خاطراتی از دیدار با آقای خاتمی گفته بود: «در آخرین جلسهای که در منزل ما در حضور جمعی از اعضای شورای مرکزی و آقای خاتمی تشکیل شد، ایشان پرسید: بالاخره کارگزاران همراه با دیگران طرفدار ما می‌شود و پاسخ ما این بود که همه چیز بسته به برنامه کاری و روش‌های نیروهای شما در صحنه اجراست. ما در آن روز معتقد بودیم که بسیاری از دوستان معروف به طیف چپ که در کنار آقای خاتمی هستند، تجربه و بینش لازم را برای اداره صحیح کشور ندارند و نوع نگاه‌های صرفا سیاسی آنها می‌تواند کشور را به سوی بن‌بست‌های جدی سوق دهد». همه این سخنان گویا حکایت از آن دارد که حالا و پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ باز هم اختلافات کهنه سر باز کرده است؛ البته نه به‌شدت سابق، اما به هر حال میزانی از آن را مشاهده می‌کنیم که شاید وجود چنین اختلافاتی تا انتخابات ریاست‌جمهوری بر اساس تجربه تاریخی چندان به نفع اصلاح‌طلبان نباشد.

سیدالرضا حسین‌پور، نماینده مجلس خبرگان

شرایط قضائی تعقیب ترور شهید فخری‌زاده در نهادهای قضائی بین‌المللی

شکایت به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت

تعداد و توازن میان قدرت‌های سخت چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی تنها با قدرت نرم بر می‌شود و از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین عناصر قدرت نرم، حقوق است که با برقراری سیاست‌ها و هنجارها، مأموریت مهم برگردن خلأ ناشی از نابرابری قدرت‌ها را بر عهده دارد. هر اندازه از استواری نهاده‌ا و ساختارهای حقوقی و تثبیت نرم‌ها و هنجارها پشتیبانی کنیم، آنها نیز ضامن اجرای حقوق فردی و اجتماعی و ارتقای زندگی جمعی ما خواهند بود. در تعقیب و رسیدگی به این نوع تحولات، حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، و حتی با توجّه به محل وقوع جرم صلاحیت سرزمینی دارند. همچنین هنگامی که قربانیان یا بازه‌دیدگان تابعیت ایرانی داشته باشند، قطع نظر از محل وقوع، مبنایی برای اعمال صلاحیت شخصی دادگاه‌های ایران وجود دارد. در نهادهای حقوقی بین‌المللی نیز امکان پیگیری موضوع به‌ویژه از منظر نقض حقوق بنیادین بشر و قواعد حقوق بین‌الملل وجود دارد، ولی درباره تعقیب موضوع در نهادهای قضائی بین‌المللی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهایی مانند الحاق به اساسنامه دادگاه و قرارگرفتن نوع جرم در قلمرو شمول صلاحیت دادگاه ضروری است و باید از قلمرو موضوعی و شخصی صلاحیت و امکان فراهم‌آوردن مقدمات ایجاد صلاحیت اطمنیان حاصل کرد. الهام امین‌زاده، معاون حقوقی سابق رئیس‌جمهور نیز دراین‌باره گفته است: ترور شهید محسن فخری‌زاده یک اقدام پیش‌بینی‌شده به لحاظ امکانات و اطلاعات و مدیریت‌شده توسط رژیم صهیونیستی بود، اما نیاز است درباره اعمال ترور این شهید تحقیقاتی بشود؛ زیرا امکان دارد برخی کشورهای منطقه که به‌تازگی روابط خود را

با رژیم صهیونیستی عادی کرده‌اند، در این اقدام نقش داشته باشند. به گفته او بهتر است تیم حقوقی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران علیه عاملان این ترور در شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایتی مطرح کند. درحال‌حاضر تنها یک نامه مبنی بر محکوم‌کردن این اقدام به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شده است، درصورتی‌که این‌حرکت به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و لازم است در این زمینه به مجمع عمومی سازمان ملل، شورای امنیت و مجمع حقوق بشر شکایاتی ارائه شود. حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسئول مسائل حقوقی، در گفت‌وگو با ایمن‌ا گفته است: جمهوری اسلامی، در واکنش به ترور شهید محسن فخری‌زاده می‌تواند از طریق شکایت در شورای امنیت سازمان ملل، پرونده آن را پیگیری کند؛ زیرا این اقدام نقض آشکار قوانین حقوق بشر و مصداق روشنی از تروریسم دولتی تلقی می‌شود. به گفته وی، ایران برای شکایت از رژیم صهیونیستی در دادگاه لاهه با چالش عظیمی روبه‌رو است؛ زیرا شرط شکایت در این دادگاه به‌رسمیت‌شناختن طرفین دعوا است و درصورتی‌که تهران در این دادگاه شکایتی علیه رژیم اسرائیل تنظیم کند، به دلیل اینکه موجودیت آن را به رسمیت نمی‌شناسد، پیگیری ممکن نخواهد بود. این کارشناس مسائل هسته‌ای معتقد است پیگیری حقوقی پرونده ترور شهید فخری‌زاده در شورای امنیت سازمان ملل به مقدمات نیاز ندارد و دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تنظیم شکایاتی علیه رژیم صهیونیستی این اقدام را به‌صورت حقوقی محکوم کند، اما به نظر می‌رسد به دلیل لابی‌های قدرتمند این رژیم در سازمان ملل این شکایت توسط آمریکا وتو شود.

یادداشت

امنیت ملی یا منافع ملی؟

علیرضا غریب‌دوست

• ترور ناجوانمردانه شهید فخری‌زاده از برجسته‌ترین دانشمندان هسته‌ای کشور موجی از واکنش‌ها را در داخل موجب شد. این رفتار ردزبانه دشمن خارجی -منصرف از اینکه افراد وابستگی به چه جریان و طیف فکری و سیاسی‌ای داشته باشند- از سوی همه طبقات جامعه محکوم شده است. در این میان دو گروه با دو رویکرد متفاوت خواهان برخورد با موضوع ترور شهید فخری‌زاده هستند، یک گروه معتقدند از آنجایی‌که حفظ اقتدار و امنیت ملی کشور در برابر متجاوز، امری بایسته و ضروری است، باید پاسخی قاطع و بازدارنده به دشمن داده شود تا متوجه هزینه خرابکاری‌ها و اقدامات ردزبانه خود شود و از تکرار آن احتراز کند، مثلا هدف‌قراردادن «بندر حیف‌ا» یا حتی «تل‌آویو» را به‌ره‌گیری از توان موشکی کشور پیشنهاد و تجویز می‌کنند؛ مانند واکنشی که ایران در برابر ترور حاج قاسم سلیمانی نشان داد. اما گروهی دیگر با تأکید و تکیه بر لزوم حفظ منافع ملی با توجه به روزهای پایانی دولت ترامپ و همین‌طور احتمال جدی بازگشت آمریکا به برجام و ضرورت توجّه به منافع ملی حاصل از آن در بلندمدت، با واکنش نظامی در این حد مخالفت کرده و راهکار دیپلماتیک و حقوقی و تعقیب بین‌المللی مرتکبان و آمران این جنایت را همراه با جلب نظر دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌کنند. هر دو طرف استدلال‌های قابل توجّهی دارند. پاسخ‌نندگان به رفتار ردزبانه دشمن خارجی می‌تواند به ضعف و ناتوانی در دفاع از خود برداشت و تلقی شود و برخورد نظامی سخت نیز بی‌شک روند بازگشت آمریکا به برجام را کندتر و چه‌بسا دورتر خواهد کرد. برای پاسخ به این سؤال که در برابر رفتار دشمن خارجی که این‌گونه گستاخانه و در داخل سرزمین ما اقدام به ترور می‌کند، چه باید کرد، بایسته است ابتدا مفاهیم «امنیت ملی» و «منافع ملی» را مورد توجّه قرار داد.

«اِبرت ماندل»، نویسنده کتاب «چهره متغیر امنیت ملی»، می‌گوید «... امنیت ملی شامل پیگیری غیرمصادی و مادی ایمنی است و مسئولیت‌های اصلی حکومت‌های ملی است تا مانع از تهدیدات مستقیم خارجی، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود شوند...». به بیان دیگر یکی از ملزومات حفاظت از امنیت ملی، اقدام نظامی است؛ اما تنها ابزار منحصّر تأمین امنیت ملی کشورها نیست. والت لیبمن (۱۸۸۹ – ۱۹۷۴) که او را از شارحان مفهوم «جنگ سرد» می‌شمارند نیز بر این باور است که یک ملت زمانی بدون استفاده از قدرت نظامی امنیت دارد که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض ازبیررفتن ارزش‌های بنیادین اجتماعی خود قرار داشته باشد و با ورود به جنگ و پیروزی در برابر دشمن خارجی، ارزش‌های بنیادین خود را حفاظت کند.

منافع ملی، مجموعه عوایدی است که در نتیجه عدم حصول آنها، یا موجودیت یک کشور به مخاطره می‌افتد یا اقتدار و اعتبار ملی آن کاهش می‌یابد. منافع ملی در سه سطح قابل تبیین است: «منافع ملی حیاتی» که در صورت فقدان آنها نابودی یک کشور را منجر می‌شود، «منافع ملی استراتژیک» که در صورت تأمین‌نشدن، قدرت اعتبار ملی یک کشور افول می‌کند و «منافع ملی تکمیلی» که در صورت تحقق، برای ارتقای جایگاه کشور در میان دیگر کشورها و رفیقان منطقه‌ای و جهانی امتیاز ویژه به وجود می‌آورد. اما آیا منافع ملی ما در واکنش نظامی به جنایت‌صورت‌گرفته تأمین نمی‌شود؟ آیا در صورت چنین اقدامی، در فرض بازگشت آمریکا به برجام، وجهه مقتدرانه‌تری از ایران برای طرف مقابل به نمایش نمی‌گذارد؟ آیا الزامات منافع ملی ما در گرو خوشنترداری در برابر این اقدام و این‌گونه اقدامات ردزبانه است؟ نگارنده این سطور با نگاهی گذرا به دو مفهوم مورد اشاره، بر این باور است که گرچه ترور «شهید فخری‌زاده» غرور ملی ایرانیان را مخدوش کرده و در این وانفسای شیوع ویروس کرونا و فشارهای اقتصادی و چالش‌های درونی در سیاست داخلی، زخمی بر زخم‌های این ملت افزوده است، اما با ترور این دانشمند، «ارزش‌های بنیادین» ملی به مخاطره نیفتاده و راه و دانش و تخصص او و میراث او برای کشور ماندگار خواهد بود. گرچه شاید بتوان این ترور را ناشی از ضعف در سیستم امنیتی و دفاعی قلمداد کرد، اما در جنگ، حلا و شیرینی بخش نمی‌کند. به اسرائیل به‌صورت غیرمستقیم ضربه می‌زنیم و او هم به ما ضربه می‌زند. وارد ماهیت و چرایی این خصومت ریشه‌دار و عمیق نمی‌شوم که در این یادداشت کوتاه امکان پرداختن به آن نیست، اما با مرور اتفاقاتی که پیش از انعقاد برجام افتاد و تلاش‌های بی‌دری اسرائیل و بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مشخص می‌شود آنچه به دشمن خارجی بیش از هر چیزی ضربه می‌زند، سیاست تنش‌زدایی میان ایران با غرب است.

ادامه در صفحه ۳